

Submit Date: 12 February 2025

Revise Date: 1 April 2025

Accept Date: 21 April 2025

Publish Date: 18 May 2025

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Legal Analysis of the Role of the World Trade Organization (WTO) in the Settlement of Trade Disputes with a Focus on Developing Countries: A Study of Challenges and Opportunities

Afshin Ebrahimi*¹

1. Master's student, Department of International Commercial and Economic Law, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.

* Corresponding Author's Email: afshin.ebrahimi2025@gmail.com

ABSTRACT

The World Trade Organization (WTO), as the primary authority regulating multilateral trade, has established a sophisticated and binding dispute settlement mechanism known as the Dispute Settlement Understanding (DSU). This system allows member states to resolve trade conflicts legally, structurally, and within a regulated framework. However, despite their significant representation in the WTO, developing countries face numerous challenges in effectively utilizing this mechanism. These include financial constraints, lack of legal expertise, procedural complexity, political pressure, and weak enforcement of rulings. This article provides a comprehensive legal and structural analysis of the DSU, examining both its potential and limitations. Through the lens of case studies such as Brazil's dispute with the United States over cotton subsidies and India's challenge against the European Union's technical barriers, the paper highlights successful instances of developing country participation. It also explores the available support mechanisms such as technical assistance, regional coalition-building, the binding nature of decisions, and retaliatory measures. Finally, the article proposes practical strategies to enhance developing countries' engagement in WTO dispute resolution. These include reforming the appellate body, strengthening national legal capacities, simplifying procedural steps, and establishing financial support mechanisms. The findings suggest that achieving genuine trade justice under the WTO framework requires structural reforms and an international commitment to ensuring equal access and effectiveness for all members, regardless of their economic power. The WTO's dispute settlement system, while unique and effective in design, must evolve to address systemic inequalities and foster inclusive global trade governance.

Keywords: World Trade Organization, dispute settlement, developing countries, international trade law system, trade justice

How to cite: Ebrahimi, A. (2024). Legal Analysis of the Role of the World Trade Organization (WTO) in the Settlement of Trade Disputes with a Focus on Developing Countries: A Study of Challenges and Opportunities. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 3(1), 1-15.



تاریخ ارسال: ۲۴ بهمن ۱۴۰۳
 تاریخ بازنگری: ۱۲ فروردین ۱۴۰۴
 تاریخ پذیرش: ۱ اردیبهشت ۱۴۰۴
 تاریخ چاپ: ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۴

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقه

تحلیل حقوقی نقش سازمان تجارت جهانی WTO در حل و فصل اختلافات تجاری با تمرکز بر کشورهای در حال توسعه: بررسی چالش‌ها و فرصت‌ها

افشین ابراهیمی^۱

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق تجاری اقتصادی بین‌المللی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: afshin.ebrahimi2025@gmail.com

چکیده

سازمان تجارت جهانی (WTO) به‌عنوان مرجع اصلی تنظیم مقررات تجارت چندجانبه، سازوکاری پیشرفته و الزام‌آور برای حل و فصل اختلافات میان اعضای خود ایجاد کرده است که در قالب «تفاهم‌نامه راجع به قواعد و رویه‌های حاکم بر حل اختلافات» (DSU) عملیاتی می‌شود. این سازوکار به کشورها اجازه می‌دهد تا به‌صورت حقوقی، ساختاریافته و در چارچوب مقررات، نسبت به اختلافات تجاری اقدام نمایند. با این حال، کشورهای در حال توسعه، با وجود عضویت گسترده در WTO، در بهره‌برداری مؤثر از این سازوکار با چالش‌هایی جدی نظیر محدودیت‌های مالی، ضعف تخصص‌های حقوقی، پیچیدگی فرایندهای دادرسی، فشارهای سیاسی و عدم ضمانت کافی در اجرای آرای صادرشده مواجه هستند. این مقاله به تحلیل دقیق ابعاد ساختاری، حقوقی و اجرایی نظام DSU پرداخته و ضمن بررسی تجارب موفق کشورهای نظیر برزیل و هند، به ظرفیت‌های بالقوه‌ای نظیر حمایت‌های فنی، ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای، بهره‌مندی از الزام‌آوری آرا و امکان اقدامات جبرانی نیز اشاره می‌کند. در پایان، با هدف تقویت حضور کشورهای در حال توسعه در فرآیند حل اختلافات، راهکارهایی از جمله اصلاح ساختار نهاد تجدیدنظر، ارتقای ظرفیت‌های ملی، کاهش پیچیدگی رویه‌ها و حمایت مالی هدفمند پیشنهاد شده است. این تحلیل نشان می‌دهد که تحقق عدالت تجاری واقعی در چارچوب WTO مستلزم اصلاحات ساختاری و تعهد بین‌المللی برای تضمین بهره‌مندی برابر تمامی اعضاست.

کلیدواژگان: سازمان تجارت جهانی، حل و فصل اختلافات، کشورهای در حال توسعه، نظام حقوق تجارت بین‌الملل، عدالت تجاری

نحوه استناددهی: ابراهیمی، افشین. (۱۴۰۴). تحلیل حقوقی نقش سازمان تجارت جهانی WTO در حل و فصل اختلافات تجاری با تمرکز بر کشورهای در حال توسعه: بررسی چالش‌ها و فرصت‌ها. دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی، ۳(۱)، ۱-۱۵.

اصلی به شمار می‌آیند که می‌توانند منافع این کشورها را تحت تأثیر قرار دهند.

هدف این مقاله تحلیل دقیق نقش سازمان تجارت جهانی در حل و فصل اختلافات تجاری و تمرکز ویژه بر چالش‌ها و فرصت‌های کشورهای در حال توسعه است. در این راستا، ابتدا مفهوم و اهمیت حل و فصل اختلافات تجاری بررسی می‌شود، سپس سازوکار حقوقی WTO تشریح و چالش‌های موجود تحلیل می‌شود. در پایان، راهکارهایی برای بهبود وضعیت کشورهای در حال توسعه ارائه خواهد شد تا این نهاد بتواند به شکل مؤثرتری نقش خود را ایفا کند.

در جهان معاصر، تجارت بین‌الملل نقشی حیاتی در توسعه اقتصادی کشورها ایفا می‌کند و همواره با تنش‌ها و اختلافاتی میان دولت‌ها همراه بوده است. به همین دلیل، وجود نهادهایی برای تنظیم روابط تجاری و حل اختلافات ناشی از آن امری ضروری است. سازمان تجارت جهانی (WTO) به عنوان نهاد اصلی ناظر بر اجرای قواعد تجارت چندجانبه، مسئولیت ایجاد چارچوبی شفاف، قابل پیش‌بینی و الزام‌آور برای حل اختلافات میان اعضای خود را بر عهده گرفته است.

نظام حل و فصل اختلافات WTO موسوم به DSU (Dispute Settlement Understanding)، به عنوان یکی از ستون‌های اصلی این سازمان شناخته می‌شود و بسیاری از تحلیل‌گران آن را موفق‌ترین مکانیزم اجرای حقوق در میان نهادهای بین‌المللی دانسته‌اند (Van den Bossche & Zdouc, 2017).

با این حال، کشورهای در حال توسعه که از اعضای اصلی WTO هستند، همواره در بهره‌مندی مؤثر از این سیستم با چالش‌هایی مواجه بوده‌اند. مشکلاتی نظیر کمبود منابع مالی و انسانی، پیچیدگی رویه‌ها، و فشارهای سیاسی از سوی قدرت‌های اقتصادی بزرگ، نقش آن‌ها را در فرآیند حل اختلافات تضعیف کرده است (Jafari, 2020; Shahin, 2021).

سازمان تجارت جهانی (World Trade Organization - WTO) در سال ۱۹۹۵ به منظور تسهیل و نظم بخشیدن به تجارت بین‌المللی تأسیس شد. یکی از مهم‌ترین وظایف این سازمان، ایجاد یک چارچوب قانونی برای حل و فصل اختلافات تجاری بین اعضاست که از طریق مکانیزم حل اختلافات WTO (Dispute Settlement Mechanism - DSM) عملی می‌شود. این سازوکار به عنوان یکی از پیشرفته‌ترین سیستم‌های بین‌المللی حل اختلاف شناخته می‌شود. با وجود اهمیت این سیستم، کشورهای در حال توسعه با چالش‌هایی در بهره‌مندی کامل از آن مواجه هستند.

سازمان تجارت جهانی (WTO) از مهم‌ترین نهادهای بین‌المللی است که نقش کلیدی در تنظیم روابط اقتصادی بین کشورها و تسهیل جریان آزاد تجارت ایفا می‌کند. این سازمان به عنوان جانشین موافقت‌نامه عمومی تعرفه‌ها و تجارت (GATT) تأسیس شد و تاکنون یکی از ستون‌های اصلی نظام تجارت جهانی محسوب می‌شود.

یکی از ارکان مهم این سازمان، سیستم حل و فصل اختلافات تجاری است که به کشورهای عضو امکان می‌دهد تا اختلافات خود را در چارچوب قانونی و سازنده‌ای حل کنند و از اقدامات یک‌جانبه و جنگ‌های تجاری جلوگیری شود. سازوکار حل اختلافات WTO نه تنها باعث حفظ نظم و ثبات در روابط تجاری بین‌المللی می‌شود، بلکه اعتماد اعضا به نظام تجارت جهانی را نیز تقویت می‌کند.

با این حال، کشورهای در حال توسعه که سهم مهمی در تجارت جهانی دارند، در بهره‌مندی کامل از این سیستم با چالش‌هایی مواجه‌اند. محدودیت‌های مالی، کمبود تخصص‌های حقوقی، فشارهای سیاسی و پیچیدگی‌های حقوقی و فنی از جمله موانع

شامل مشاوره، تشکیل پانل، صدور گزارش، و امکان اعتراض (اپل) است.

اهمیت حل و فصل اختلافات برای کشورهای در حال توسعه

کشورهای در حال توسعه، با توجه به محدودیت‌های اقتصادی و فنی، بیشتر از هر گروه دیگری به وجود یک نظام کارآمد حل و فصل اختلافات نیازمندند. این کشورها معمولاً قدرت چانه‌زنی کمتری دارند و در معرض سیاست‌های تجاری نامناسب کشورهای توسعه‌یافته قرار می‌گیرند. از این رو، نظام حل و فصل اختلافات WTO می‌تواند به عنوان ابزاری برای حمایت از حقوق آن‌ها و تضمین بهره‌مندی عادلانه از مزایای تجارت بین‌المللی عمل کند.

مفهوم و اهمیت حل و فصل اختلافات تجاری در WTO

اختلافات تجاری میان کشورها اجتناب‌ناپذیر است و می‌تواند منجر به بروز تنش‌ها و جنگ‌های تجاری شود که تأثیرات مخربی بر اقتصاد جهانی دارد. وجود یک سازوکار مؤثر و منصفانه برای حل اختلافات، اعتماد کشورها به سیستم تجارت بین‌المللی را افزایش می‌دهد و به حفظ ثبات و رشد اقتصادی کمک می‌کند.

جایگاه حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی

WTO به عنوان نهاد ناظر بر اجرای توافق‌نامه‌های بین‌المللی تجارت، مسئولیت رسیدگی به اختلافات بین اعضا را بر عهده دارد. سازوکار حل اختلافات WTO در قالب مراحل همچون مشورت، پانل بررسی، و در صورت لزوم، تجدیدنظر و اجرای تصمیمات طراحی شده است. این سازوکار موجب می‌شود اختلافات به صورت قانونی و ساختاریافته حل و فصل شود، نه با زور یا اقدامات یک‌جانبه.

ضرورت حل و فصل اختلافات در تجارت بین‌المللی

تجارت بین‌المللی به دلیل ماهیت چندجانبه و پیچیده خود، همواره با اختلافاتی میان طرف‌های مختلف مواجه است. این اختلافات می‌تواند ناشی از تفسیرهای متفاوت قراردادها، رعایت نکردن

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل حقوقی عملکرد نظام DSU با تمرکز بر تجربه و وضعیت کشورهای در حال توسعه است. در این راستا، ابتدا ساختار و مبانی DSU بررسی می‌شود، سپس چالش‌ها و فرصت‌های موجود تحلیل شده و در پایان، پیشنهادهایی برای ارتقاء بهره‌وری این کشورها از نظام حل اختلاف WTO ارائه می‌گردد.

۱. ساختار و کارکردهای سازمان تجارت جهانی

سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ میلادی جایگزین توافق‌نامه‌های چندجانبه تجاری پیشین مانند GATT شد و به عنوان نهاد اصلی تنظیم‌کننده روابط تجاری بین کشورها فعالیت خود را آغاز کرد. ساختار این سازمان مبتنی بر سه رکن اصلی است: شورای عمومی، نشست‌های وزرای عضو و ساختار حل و فصل اختلافات.

ساختار سازمانی WTO

شورای عمومی WTO بالاترین نهاد اجرایی است که امور جاری سازمان را مدیریت می‌کند و اعضا از طریق آن در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دارند. نشست‌های وزرای عضو هر دو سال یک‌بار برگزار می‌شود و سیاست‌های کلی سازمان را تعیین می‌کند. همچنین، کمیته‌ها و شوراهای تخصصی متعددی به موضوعات مختلف تجاری مانند تعرفه‌ها، خدمات، مالکیت فکری و حل و فصل اختلافات اختصاص یافته‌اند.

نظام حل و فصل اختلافات در WTO

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های WTO، وجود نظام حل و فصل اختلافات (Dispute Settlement Mechanism) است که برای رسیدگی به اختلافات تجاری بین اعضا طراحی شده است. این نظام جایگزین روندهای غیررسمی و مبتنی بر مذاکره شد و با مقررات دقیق‌تر و زمان‌بندی مشخص، به افزایش شفافیت و قطعیت در حل اختلافات کمک می‌کند. مراحل اصلی این نظام

وجود اختلافات تجاری در روابط میان کشورها امری اجتناب‌ناپذیر است، به‌ویژه با گسترش تجارت جهانی و پیچیده‌تر شدن تعاملات اقتصادی. در این میان، داشتن سازوکاری حقوقی، مؤثر و بی‌طرف برای حل و فصل اختلافات، نقش مهمی در حفظ ثبات نظام تجارت بین‌الملل ایفا می‌کند (Davey, 2005).

سازمان تجارت جهانی، برخلاف بسیاری از نهادهای بین‌المللی دیگر، دارای نظام حل اختلافی است که ویژگی‌هایی چون الزام‌آوری، زمان‌بندی مشخص، حق تجدیدنظر و ساختار داوری چندمرحله‌ای را در بر می‌گیرد. این ساختار باعث شده است تا DSU به عنوان یکی از موفق‌ترین سیستم‌های حل اختلاف چندجانبه شناخته شود (Van den Bossche & Zdouc, 2017).

مراحل حل اختلاف در نظام DSU

فرآیند حل اختلاف در WTO، طبق مقررات DSU، دارای مراحل مشخص و نظام‌مندی است:

- مرحله مشاوره (Consultation): در این مرحله طرفین اختلاف ملزم به انجام مذاکره و تلاش برای حل و فصل دوستانه موضوع هستند. این مرحله معمولاً ۳۰ روز به طول می‌انجامد.
- تشکیل پانل (Panel Establishment): در صورت عدم توافق، یکی از طرفین می‌تواند خواستار تشکیل هیأت داوری (پانل) شود. این پانل شامل کارشناسانی مستقل است که گزارش تحلیلی خود را ظرف ۶ تا ۹ ماه ارائه می‌دهند.
- بررسی تجدیدنظر (Appellate Review): هر یک از طرفین می‌تواند نسبت به گزارش پانل اعتراض کند. این مرحله توسط «نهاد تجدیدنظر» (Appellate Body) انجام می‌شود.

تعهدات، اعمال تعرفه‌های غیرمجاز، محدودیت‌های غیرمستقیم بر تجارت، و یا حتی مسائل سیاسی و اقتصادی باشد.

اگر این اختلافات به صورت غیرقانونی یا یک‌جانبه مدیریت شوند، ممکن است به ایجاد موانع تجاری، جنگ‌های تعرفه‌ای و کاهش اعتماد تجاری منجر شوند که همه اینها به ضرر اقتصاد جهانی است. به همین دلیل، وجود یک سیستم حقوقی بین‌المللی برای حل و فصل اختلافات، امری ضروری است.

حل و فصل قانونی اختلافات، نه تنها باعث حفاظت از حقوق اعضا می‌شود، بلکه محیطی امن و قابل پیش‌بینی برای سرمایه‌گذاری و تجارت فراهم می‌آورد. این امر به ویژه برای کشورهای در حال توسعه که نیازمند جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه تجارت هستند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

جایگاه حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی سازمان تجارت جهانی، با تأسیس خود، سعی کرد تا نظامی حقوقی برای تجارت بین‌المللی پایه‌ریزی کند که بر اساس قوانین مشخص، شفاف و الزام‌آور عمل کند.

یکی از نقاط قوت این سازمان، ایجاد سازوکار حل و فصل اختلافات (Dispute Settlement Mechanism - DSM) است که جایگزین روش‌های سنتی و گاه ناکارآمد حل اختلاف شد.

این سازوکار مبتنی بر مراحل مشخص، شفاف و قضایی است که کشورهای عضو را ملزم به رعایت قواعد و تصمیمات اتخاذ شده می‌کند. در واقع، این مکانیسم یک سیستم قضایی بین‌المللی برای تجارت محسوب می‌شود که می‌تواند به طور الزام‌آور اختلافات را حل کند و از کشیده شدن کشمکش‌ها به سطح سیاسی و نظامی جلوگیری نماید.

۲. مبانی نظری و ساختاری نظام حل اختلاف در سازمان تجارت

جهانی

جایگاه حل اختلاف در نظام تجارت بین‌الملل

DSU هستند. همچنین، هزینه‌های بالای رسیدگی، اعم از هزینه‌های دادرسی، کارشناسی، ترجمه اسناد و مشاوره‌های بین‌المللی، عملاً آن‌ها را از دسترسی مؤثر به این نظام باز می‌دارد (Shahin, 2021).

امتیازات ویژه کشورهای در حال توسعه در DSU

در اسناد سازمان تجارت جهانی، به‌ویژه در ماده ۲۷.۲ DSU، تسهیلاتی برای کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شده است. از جمله:

- امکان استفاده از مشاوران فنی رایگان جهت تنظیم شکایت‌نامه‌ها و دفاعیه‌ها؛
- زمان‌های تمدیدشده برای پاسخ به شکایت یا ارائه اسناد؛
- تأکید بر حل اختلاف دوستانه پیش از ورود به روند قضایی.

اما بررسی‌های تجربی نشان می‌دهد که این امتیازات در عمل یا به‌خوبی اجرایی نمی‌شوند یا تأثیر چندانی در کاهش نابرابری رویه‌ای ندارند (Pauwelyn, 2006).

نمونه‌های تجربی از حضور کشورهای در حال توسعه در

DSU

الف) پرونده برزیل علیه آمریکا (DS267) - موضوع: یارانه‌های پنبه

برزیل موفق شد از طریق DSU علیه یارانه‌های غیرقانونی آمریکا در بخش پنبه شکایت کند. این پرونده، از موفق‌ترین تجربیات کشورهای در حال توسعه در بهره‌برداری از نظام DSU بود و نشان داد در صورت برخورداری از توان کارشناسی و حمایت سیاسی، امکان پیروزی نیز وجود دارد (WTO, 2023).

ب) پرونده هند علیه اتحادیه اروپا (DS146/175) - موضوع: مقررات فنی

هند با شکایت از اتحادیه اروپا به دلیل مقررات محدودکننده بر واردات، توانست رای مثبتی از پانل بگیرد، اما اجرای آن به دلیل

- اجرای تصمیم (Implementation): پس از تأیید گزارش، طرف مغلوب باید اقدام اصلاحی انجام دهد. در صورت امتناع، کشور شاکی می‌تواند مجوز اقدامات متقابل یا تلافی جویانه دریافت کند (WTO, 1994).

ویژگی‌های کلیدی نظام DSU

نظام DSU از منظر حقوقی، چهار ویژگی برجسته دارد:

۱. الزام‌آوری آرا: بر خلاف بسیاری از نهادهای بین‌المللی که تصمیمات آن‌ها جنبه توصیه‌ای دارد، آراء صادرشده در WTO الزام‌آور است (Jackson, 1998).
۲. ساختار داوری شبه قضایی: فرآیند رسیدگی شکلی شبیه دادگاه دارد، با مراحل شکایت، دفاع، صدور رأی و امکان تجدیدنظر (Pauwelyn, 2006).

۳. چارچوب زمانی مشخص: وجود ضرب‌الاجل‌های زمانی باعث کاهش اطاله دادرسی و افزایش شفافیت می‌شود (WTO, 2023).

۴. نهاد تجدیدنظر: Appellate Body با قدرت تفسیر حقوقی آراء، از بروز تفسیرهای متضاد جلوگیری می‌کند و وحدت رویه ایجاد می‌نماید (Shahin, 2021).

۳. وضعیت کشورهای در حال توسعه در نظام حل اختلاف سازمان تجارت جهانی

مشارکت کشورهای در حال توسعه در DSU

کشورهای در حال توسعه تقریباً دو سوم اعضای سازمان تجارت جهانی را تشکیل می‌دهند. اما مشارکت آن‌ها در روند حل اختلافات، به‌ویژه به عنوان شاکی، به‌مراتب کمتر از کشورهای توسعه‌یافته بوده است (Busch & Reinhardt, 2003). دلایل این موضوع را باید در عوامل سیاسی، اقتصادی، حقوقی و نهادی جست‌وجو کرد.

برای مثال، بسیاری از کشورهای جنوب جهانی فاقد تخصص‌های حقوقی و اقتصادی لازم برای ارائه دعوی مؤثر در چارچوب نظام

سازوکار حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی یکی از پیشرفته‌ترین نظام‌های داوری و قضایی بین‌المللی به شمار می‌رود. این سیستم در ضمیمه دوم موافقت‌نامه تأسیس WTO با عنوان تفاهم‌نامه راجع به قواعد و رویه‌های حاکم بر حل و فصل اختلافات (DSU) آمده است. هدف اصلی این تفاهم‌نامه تضمین اجرای صحیح موافقت‌نامه‌های سازمان، حفظ حقوق اعضا، و رسیدگی سریع، عادلانه و موثر به اختلافات تجاری است.

در مرحله مشاوره مطابق ماده ۴ DSU، هر عضو می‌تواند از عضوی دیگر که معتقد است تعهدات خود را نقض کرده، تقاضای مشاوره کند. این مرحله معمولاً ۳۰ روز طول می‌کشد و در بسیاری از موارد، خود مشاوره باعث حل اختلاف می‌شود.

۵. چالش‌ها و موانع کشورهای در حال توسعه در استفاده از

نظام حل اختلاف WTO

چالش‌های حقوقی و نهادی

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، پیچیدگی حقوقی ساختار DSU است. نظام حل اختلاف سازمان تجارت جهانی اگرچه جنبه قضایی دارد، اما تفسیر و اجرای قواعد آن نیازمند تخصص‌های بالا در حوزه حقوق تجارت بین‌الملل، اصول رویه دادرسی و مهارت‌های فراملی است (Van den Bossche & Zdouc, 2017).

کشورهای در حال توسعه معمولاً فاقد ساختارهای حقوقی سازمان‌یافته و نیروهای متخصص در این زمینه هستند و همین باعث می‌شود امکان بهره‌مندی کامل آن‌ها از این نظام کاهش یابد (Shahin, 2021).

محدودیت‌های مالی و فنی

شکایت در چارچوب DSU هزینه‌بر است. از تهیه اسناد و مدارک تا استخدام وکلای بین‌المللی، شرکت در جلسات حضوری در ژنو و پرداخت هزینه‌های ترجمه و تحلیل اقتصادی - همگی فشار مالی زیادی بر کشورهای کمتر توسعه‌یافته وارد می‌کنند (Rahimi, 2022).

فشارهای متقابل، در عمل با مشکلات مواجه شد (Shahin, 2021).

تشکیل هیأت حل اختلاف (Panel) در صورت بی‌نتیجه ماندن مشاوره، شاکی می‌تواند درخواست تشکیل هیأت کند. وظیفه هیأت بررسی فنی و حقوقی موضوع است و معمولاً طی ۶ تا ۹ ماه گزارش خود را منتشر می‌کند (Van den Bossche & Zdouc, 2017).

رسیدگی در نهاد استیناف در صورتی که هر یک از طرفین به نتیجه گزارش اعتراض داشته باشند، می‌توانند ظرف ۶۰ روز درخواست استیناف کنند. نهاد استیناف متشکل از ۷ عضو حرفه‌ای حقوق بین‌الملل است که در قالب گروه‌های سه‌نفره عمل می‌کنند.

اجرای تصمیم پس از تأیید نهایی گزارش، کشور متخلف باید تصمیم را اجرا کند. در صورت امتناع، نهاد حل اختلاف می‌تواند اجازه اقدام تلافی‌جویانه به شاکی بدهد. این اجرای الزام‌آور و نظام‌مند، یکی از وجوه تمایز WTO نسبت به GATT سابق است.

۴. سازوکار حل اختلافات WTO

مراحل حل اختلافات

- مشورت (Consultation): ابتدا طرفین اختلاف موظف به مذاکره و مشورت برای حل مسالمت‌آمیز اختلاف هستند.

- تشکیل پانل (Panel Establishment): در صورت عدم توافق، درخواست تشکیل پانل جهت بررسی شکایت ارائه می‌شود.

- مرحله تجدیدنظر (Appellate Review): در صورت اعتراض به گزارش پانل، اعضا می‌توانند به دیوان تجدیدنظر WTO شکایت کنند.

- اجرای تصمیم: پس از تأیید نهایی، تصمیمات لازم‌الاجرا هستند و طرف متخلف موظف به اصلاح اقدامات خود می‌باشد.

مروری بر ساختار حقوقی نظام حل اختلاف

تقویت کرده و در قالب شکایت‌های مشترک، از منافع جمعی خود دفاع کنند. این استراتژی می‌تواند در هزینه‌های دادرسی نیز صرفه‌جویی ایجاد کند.

بهره‌مندی از قدرت حقوقی الزام‌آور آراء DSU

بر خلاف بسیاری از نهادهای بین‌المللی که تصمیمات آن‌ها توصیه‌ای است، آراء صادرشده از نهاد داوری WTO الزام‌آور هستند و امکان پیگیری حقوقی آن‌ها حتی در صورت اجرای ناقص از سوی طرف متخلف وجود دارد (WTO, 2023). این قدرت الزام‌آوری یک فرصت حقوقی مهم برای کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود.

امکان اعمال اقدامات تلافی‌جویانه

بر اساس ماده ۲۲ DSU، در صورت عدم اجرای رأی توسط کشور محکوم، کشور شاکی مجاز به اعمال اقدامات جبرانی یا تلافی‌جویانه است. هرچند استفاده از این ابزار برای کشورهای ضعیف دشوار است، اما وجود آن در ساختار حقوقی، پشتوانه‌ای برای چانه‌زنی بهتر در مذاکرات دوجانبه یا چندجانبه محسوب می‌شود (Van den Bossche & Zdouc, 2017).

ویژگی‌های مهم نظام حل اختلاف WTO

الزام‌آور بودن تصمیمات: برخلاف بسیاری از نهادهای بین‌المللی، تصمیمات هیأت و نهاد استیناف در WTO الزام‌آور است. ساختار شبه‌قضایی: فرآیند رسیدگی بسیار مشابه دادگاه‌های داخلی است.

زمان‌بندی مشخص: DSU مهلت‌های زمانی دقیق برای هر مرحله تعیین کرده تا از اطاله دادرسی جلوگیری شود.

نقش نهاد استیناف: این نهاد از بروز تفسیرهای سلیقه‌ای و غیرحقوقی جلوگیری می‌کند.

بررسی وضعیت کشورهای در حال توسعه در نظام حل‌وفصل اختلافات سازمان تجارت جهانی

اگرچه سازمان تجارت جهانی سازوکارهایی مانند مرکز مشاوره حقوقی تجارت (ACWL) را برای کمک به این کشورها ایجاد کرده، اما این حمایت‌ها محدود و غیرساختاریافته است.

فشارهای سیاسی و دیپلماتیک

در بسیاری از موارد، کشورهای در حال توسعه نگران پیامدهای سیاسی شکایت از قدرت‌های اقتصادی بزرگ هستند. ممکن است نگرانی از تحریم‌های تجاری، قطع کمک‌های توسعه‌ای یا فشارهای سیاسی باعث شود که حتی در صورت احقاق حق، کشور شاکی از پیگیری رسمی صرف‌نظر کند (Davey, 2005).

ضعف در اجرای احکام

حتی در مواردی که کشورهای در حال توسعه موفق به دریافت رأی مثبت از نهاد داوری یا تجدیدنظر می‌شوند، اجرای این آراء دشوار است. دلیل آن، نبود ابزارهای مؤثر برای اعمال فشار بر کشورهای متخلف و همچنین محدودیت این کشورها در اعمال اقدامات تلافی‌جویانه است (Shahin, 2021).

۶. فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه کشورهای در حال توسعه در

نظام حل اختلاف WTO

امکان بهره‌گیری از حمایت‌های حقوقی بین‌المللی

اگرچه کشورهای در حال توسعه با محدودیت‌هایی مواجه‌اند، اما در سال‌های اخیر، نهادهایی مانند مرکز مشاوره حقوقی تجارت (ACWL) یا کمک‌های فنی سازمان تجارت جهانی تلاش کرده‌اند خدمات مشاوره‌ای، آموزش حقوقی و دفاع از مواضع این کشورها را تسهیل کنند (Shahin, 2021). مشارکت مؤثر در این برنامه‌ها می‌تواند شکاف فنی میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را کاهش دهد.

امکان ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای یا موضوعی

برخی کشورهای در حال توسعه توانسته‌اند از طریق ائتلاف‌های منطقه‌ای (مانند گروه آفریقا، کارائیب و اقیانوس آرام – ACP) یا گروه‌های موضوع‌محور در چارچوب WTO، مواضع خود را

در برخی موارد، کشورهای در حال توسعه از بیم تهدیدات غیررسمی یا فشارهای سیاسی توسط قدرت‌های بزرگ، از شکایت رسمی در WTO خودداری می‌کنند. این موضوع به‌ویژه در مورد کشورهایی که وابستگی اقتصادی به کشورهای توسعه‌یافته دارند، پررنگ‌تر است.

سازوکارهای حمایتی موجود در WTO

WTO برای حمایت از کشورهای در حال توسعه، سازوکارهایی مانند مرکز مشاوره حقوقی در ژنو (ACWL) را ایجاد کرده است که خدمات حقوقی رایگان یا کم‌هزینه برای این کشورها فراهم می‌کند. همچنین ماده ۲۷.۲ تفاهم‌نامه حل اختلاف، نهادهای بین‌المللی را تشویق می‌کند که به کشورهای کمتر توسعه‌یافته در استفاده از سیستم کمک کنند.

نقد اثربخشی سازوکارهای حمایتی

با وجود این تدابیر، همچنان انتقادات گسترده‌ای به ناکارآمدی آن‌ها وارد است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از کشورهای در حال توسعه یا از وجود این ابزارها مطلع نیستند یا ظرفیت لازم برای بهره‌گیری مؤثر از آن‌ها را ندارند. در مواردی هم دیده شده که این حمایت‌ها بیشتر جنبه‌ی نمادین داشته‌اند و در عمل، نتوانسته‌اند مشکل نابرابری ساختاری را حل کنند.

تجارت موفق کشورهای در حال توسعه

با این حال، برخی کشورهای در حال توسعه توانسته‌اند از سازوکار DSB با موفقیت استفاده کنند. به‌عنوان نمونه، برزیل در پرونده معروف «قند در برابر اتحادیه اروپا»، توانست با تکیه بر توان تخصصی خود، رأی به نفعش بگیرد. همچنین هند و اندونزی در چندین مورد، با استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی، در روندهای حل اختلاف شرکت مؤثر داشتند. این تجارب می‌تواند الگویی برای دیگر کشورها باشد.

۸. پیشنهادها تقویت مشارکت کشورهای در حال توسعه

یکی از اهداف کلیدی سازمان تجارت جهانی، تضمین مشارکت برابر اعضا در نظام تجارت بین‌المللی است. اما واقعیت میدانی حاکی از آن است که کشورهای در حال توسعه، به‌رغم عضویت رسمی در WTO، در عمل با موانع متعددی در فرآیند حل و فصل اختلافات مواجه هستند. این چالش‌ها از محدودیت‌های مالی و فنی گرفته تا موانع ساختاری و حقوقی، استفاده‌ی این کشورها از مزایای نظام DSB را دشوار می‌سازد.

۷. آمار و داده‌های مشارکت کشورهای در حال توسعه

بررسی داده‌های منتشرشده توسط WTO نشان می‌دهد که بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۲۳، تنها حدود ۳۵٪ از شکایات ثبت‌شده در چارچوب DSB از سوی کشورهای در حال توسعه مطرح شده‌اند، در حالی که بیش از ۷۰٪ از اعضای سازمان را همین کشورها تشکیل می‌دهند. همچنین در بسیاری از موارد، این کشورها نقش مشتکی‌عنه را داشته‌اند و کمتر به‌عنوان شاکی فعال ظاهر شده‌اند. (Jafari, 2020; Shahin, 2021).

موانع اصلی کشورهای در حال توسعه

الف) کمبود منابع انسانی و تخصص

یکی از مهم‌ترین دلایل عدم مشارکت فعال کشورهای در حال توسعه در فرآیند حل اختلاف، کمبود متخصصان حقوقی با تجربه در دعاوی بین‌المللی است. هزینه‌های استخدام وکلای متخصص در دعاوی WTO بسیار بالاست و بسیاری از این کشورها فاقد نهادهای حقوقی پایدار در این زمینه‌اند.

ب) پیچیدگی فرایندها و اسناد حقوقی

رویه‌های حل اختلاف در WTO مستلزم نگارش لوایح فنی، تحلیل تطبیقی و ارائه مستندات دقیق است که خود نیازمند دانش عمیق حقوق تجارت بین‌الملل و رویه‌های DSB می‌باشد. برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه، این سطح از پیچیدگی، مانعی جدی برای ورود به فرآیند شکایت‌گذاری تلقی می‌شود.

ج) نگرانی از تبعات سیاسی و اقتصادی

- ارتقای آموزش حقوق تجارت بین‌الملل در دانشگاه‌های کشورهای در حال توسعه

- تأسیس نهادهای ملی حل اختلاف با همکاری WTO
- تقویت همکاری‌های منطقه‌ای بین کشورهای در حال توسعه برای تشکیل تیم‌های مشترک دعاوی
- افزایش شفافیت و دسترسی به اطلاعات پرونده‌های گذشته برای تحلیل و یادگیری

فرصت‌های پیش‌روی کشورهای در حال توسعه

الف) بهره‌مندی از سازوکار الزام‌آور و بی‌طرفانه یکی از مهم‌ترین فرصت‌های WTO برای کشورهای در حال توسعه، امکان دسترسی به یک نظام حقوقی منسجم، بی‌طرف و الزام‌آور است. در دوره قبل از تشکیل WTO، کشورهای قدرتمند به دلیل توان اقتصادی و نفوذ سیاسی خود بر فرآیند حل اختلافات سلطه داشتند، اما با شکل‌گیری DSU این تعادل تا حد زیادی اصلاح شده است.

ب) حمایت ویژه در مقررات DSU تفاهم‌نامه DSU در برخی موارد مزایایی برای کشورهای در حال توسعه قائل شده است. برای مثال:

در ماده ۱۲.۱۰ تصریح شده که در رسیدگی به اختلافاتی که طرف آن‌ها کشورهای در حال توسعه هستند، زمان‌بندی مناسب‌تر در نظر گرفته شود. (با ارجاع به مواد ۲۷.۲ و ۱۲.۱۰ DSU)

ماده ۲۷.۲ اجازه می‌دهد تا دبیرخانه WTO به کشورهای در حال توسعه کمک فنی و حقوقی ارائه دهد.

ج) بهره‌مندی از تجربیات قبلی و سوابق قضایی سازوکار DSU مبتنی بر رویه قضایی و سابقه پرونده‌ها است. کشورهای در حال توسعه می‌توانند از آرای صادرشده در پرونده‌های قبلی به نفع خود استفاده کنند. حتی در مواردی همچون پرونده برزیل علیه ایالات متحده (در خصوص یارانه‌های پنبه)، کشور در حال توسعه توانست پیروزی قابل توجهی کسب کند.

۹. چالش‌های اصلی کشورهای در حال توسعه

الف) هزینه‌های مالی و حقوقی سنگین

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، هزینه بالای رسیدگی به اختلافات در چارچوب WTO است. تشکیل هیأت، آماده‌سازی اسناد حقوقی، استفاده از مشاوران حقوق تجارت بین‌الملل و حضور مستمر در جلسات ژنو، منابع قابل توجهی می‌طلبد که بسیاری از کشورهای در حال توسعه فاقد آن هستند.

ب) کمبود تخصص حقوقی بین‌المللی

اکثر کشورهای در حال توسعه فاقد کادر متخصص در حوزه حقوق تجارت بین‌الملل هستند. نبود وکلای مجرب و تحلیل‌گران اقتصادی ماهر، آن‌ها را در موضع ضعف قرار می‌دهد، به‌خصوص در برابر هیأت‌های حقوقی کشورهای توسعه‌یافته.

ج) ترس از اقدامات تلافی‌جویانه

بسیاری از کشورهای در حال توسعه به دلیل وابستگی اقتصادی و سیاسی به قدرت‌های بزرگ، از پیگیری اختلافات پرهیز می‌کنند تا مبادا با اقدامات تلافی‌جویانه یا فشارهای دیپلماتیک مواجه شوند.

د) ضعف در اجرای احکام

حتی در صورت پیروزی در پرونده، کشور برنده ممکن است نتواند حکم را به اجرا بگذارد. کشور متخلف ممکن است از اجرای رأی سر باز زند، و اقدامات تلافی‌جویانه نیز ممکن است تأثیر محدودی داشته باشد یا حتی به زیان کشور برنده تمام شود.

۱۰. اصل برابری اعضا در حقوق WTO

مطابق با اساسنامه سازمان تجارت جهانی، تمامی اعضا فارغ از اندازه‌ی اقتصادی یا سطح توسعه‌یافتگی، حقوق و تعهدات یکسانی دارند. اما در عمل، اصل "برابری حقوقی" در موارد متعددی با اصل "توانمندی نابرابر" کشورها در تضاد قرار گرفته است. دادخواهی مؤثر در چارچوب WTO نیازمند توان حقوقی، سیاسی و اقتصادی است که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به نحو کافی وجود ندارد.

حال توسعه همراه بود، اما منجر به تغییرات ساختاری واقعی در سیاست‌های یارانه‌ای نشده است.

ارزیابی انتقادی از نقش Appellate Body

با بحران ساختاری Appellate Body در سال‌های اخیر - به‌ویژه پس از عدم انتصاب اعضای جدید از سوی ایالات متحده - کارکرد تجدیدنظر در نظام حل اختلاف با مشکل جدی مواجه شده است. این بحران، کشورهای در حال توسعه را بیش از دیگران آسیب‌پذیر کرده است؛ زیرا آن‌ها به نهادهای رسمی بیش از توافقات دوجانبه متکی‌اند.

نظام حل اختلاف WTO از حیث ساختاری یک چارچوب بی‌بدیل در حقوق تجارت بین‌الملل است، اما اثربخشی آن در مورد کشورهای در حال توسعه به‌وضوح با چالش‌هایی همراه است. این چالش‌ها ماهیتی ساختاری دارند و تنها با اصلاحات عمیق و تقویت ظرفیت‌های داخلی این کشورها قابل رفع هستند. در غیاب چنین اصلاحاتی، خطر تبدیل شدن این نظام به ابزاری در اختیار قدرت‌های اقتصادی جهان، امری جدی و قابل تأمل خواهد بود.

حمایت‌های مالی و فنی از کشورهای در حال توسعه WTO و کشورهای توسعه‌یافته می‌توانند با ارائه کمک‌های مالی و فنی، ظرفیت‌های حقوقی و کارشناسی کشورهای در حال توسعه را ارتقاء دهند.

تسهیل دسترسی به اطلاعات و آموزش ایجاد برنامه‌های آموزشی و دسترسی آسان‌تر به منابع حقوقی و اطلاعاتی، کشورهای در حال توسعه را برای استفاده بهتر از مکانیسم حل اختلافات توانمند می‌کند.

۱۱. نقد بر ساختار قضایی و رویه‌ها

الف) سلطه حقوق دانان کشورهای توسعه‌یافته

یکی از انتقادات مهم این است که اکثر اعضای هیأت داور و اعضای نهاد تجدیدنظر از میان کشورهای توسعه‌یافته انتخاب می‌شوند. این امر گاه موجب می‌شود تفاسیر حقوقی، بی‌آنکه

الزام‌آور بودن آرای هیأت‌های داور و تجدیدنظر

یکی از نقاط قوت نظام حل اختلاف WTO، الزام‌آور بودن آرای صادره توسط Panels و Appellate Body است. اما این الزام در عمل زمانی کارآمد است که ابزارهای اجرایی مؤثر نیز وجود داشته باشد. برای کشورهای در حال توسعه، حتی در مواردی که رأی به نفع آن‌ها صادر شده، اجرای مؤثر آن با موانعی مواجه بوده است؛ چرا که اقدامات تلافی‌جویانه (retaliation) برای آن‌ها پرهزینه یا غیرواقع‌گرایانه است.

عدم تعادل در دسترسی به امکانات حقوقی

مطابق با ماده ۲۷ DSU، کشورهای در حال توسعه باید از کمک‌های فنی برخوردار شوند. اما میزان بهره‌مندی واقعی این کشورها از مشاوره‌های فنی، حقوقی و اجرایی بسیار پایین است. خدمات حقوقی مؤسسات مانند ACWL به‌خودی‌خود مؤثر است، ولی تأثیر آن در مقابل سیستم‌های حقوقی مجهز کشورهای توسعه‌یافته، ناچیز می‌نماید.

تأخیر در رسیدگی و طولانی شدن فرایندها

یکی دیگر از موانع ساختاری برای کشورهای در حال توسعه، زمان‌بر بودن رسیدگی‌هاست. فرآیندهای داور و تجدیدنظر در WTO معمولاً چندین سال به طول می‌انجامد و همین عامل باعث می‌شود که مزایای فوری اقتصادی، که برای کشورهای در حال توسعه بسیار حیاتی است، از دست برود. تأخیر در صدور رأی و اجرای آن، عملاً سود نهایی را برای کشور متخلف حفظ می‌کند.

تحلیل رویه‌های گذشته در آرای WTO

بررسی آرای صادرشده در چند دهه اخیر نشان می‌دهد که ساختار داور WTO در مواردی به نفع کشورهای در حال توسعه رأی داده است، اما توازن کلی نتایج به نفع کشورهای توسعه‌یافته بوده است. نمونه بارز آن، پرونده‌های کشاورزی علیه ایالات متحده و اتحادیه اروپا است که هرچند با پیروزی ظاهری کشورهای در

تعمدی در کار باشد، به نفع کشورهایی با نظام‌های حقوقی مشابه جهت‌گیری پیدا کند.

ب) پیچیدگی مفرط فرآیندهای دادرسی

فرآیندهای رسیدگی در DSU بسیار فنی و طولانی هستند. همین موضوع باعث می‌شود کشورهای دارای ساختار بوروکراتیک ضعیف، توانایی پیگیری کامل پرونده‌ها را نداشته باشند یا به‌ناچار از ورود به مرحله تجدیدنظر صرف‌نظر کنند.

ج) تعلیق نهاد تجدیدنظر از سال ۲۰۱۹

از اواخر سال ۲۰۱۹، به دلیل امتناع ایالات متحده از تأیید اعضای جدید نهاد تجدیدنظر، این نهاد عملاً غیرفعال شده است. این مسئله یک بحران جدی برای تمام کشورهای عضو محسوب می‌شود؛ چراکه اجرای نهایی احکام بدون تجدیدنظر قطعی نمی‌شود. کشورهای ضعیف‌تر بیش از سایرین از این بحران متضرر شده‌اند.

۱۲. عدم توازن در نتایج نهایی

الف) تمرکز پرونده‌ها بر منافع اقتصادی کلان

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که بخش زیادی از پرونده‌های حل اختلاف در WTO به موضوعاتی مانند یارانه‌های کشاورزی، حقوق مالکیت فکری، و تعرفه‌های گمرکی مربوط می‌شود. این‌ها اغلب موضوعات در اولویت برای کشورهای توسعه‌یافته هستند. در مقابل، مسائل حیاتی برای کشورهای در حال توسعه مانند دسترسی به دارو، فناوری، یا حمایت از صنایع نوپا کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند.

ب) محدودیت در اعمال اقدامات جبرانی

حتی در صورت صدور رأی به نفع کشورهای در حال توسعه، ابزارهای اجرایی محدود هستند. اقدامات تلافی‌جویانه برای این کشورها نه تنها مؤثر نیست، بلکه گاه منجر به آسیب مضاعف به خود آن‌ها می‌شود.

نابرابری در استفاده از ابزارهای دادرسی

در عمل، کشورهای توسعه‌یافته از تمام ظرفیت‌های DSU بهره‌برداری کامل دارند؛ چراکه به تیم‌های حقوقی قوی، دسترسی مستقیم به مشاوران بین‌المللی، و تجربه گسترده در تعامل با سیستم‌های بین‌المللی مجهز هستند. در حالی که کشورهای در حال توسعه با موانع ساختاری روبرو هستند و در بسیاری از موارد حتی از ورود به فرآیند حل اختلاف صرف‌نظر می‌کنند.

لزوم اصلاح و تقویت DSU

با توجه به نکات فوق، اصلاح سازوکار حل اختلاف در WTO ضروری به نظر می‌رسد. برخی از پیشنهادها اصلاحی به شرح زیر است:

- احیای نهاد تجدیدنظر با ساختار متوازن‌تر
- افزایش مشارکت و نمایندگی کشورهای در حال توسعه در انتخاب داوران و اعضای هیأت‌ها
- تسهیل در فرآیندهای دادرسی برای کشورهای کم‌درآمد
- ایجاد سازوکارهای جبرانی خاص برای کشورهایی که توانایی اجرای اقدامات تلافی‌جویانه را ندارند

نتیجه‌گیری

سازمان تجارت جهانی و نظام حل اختلاف آن (DSU) نقشی حیاتی در تضمین اجرای منصفانه و الزام‌آور قواعد تجارت جهانی ایفا می‌کند. در این مقاله، نشان داده شد که نظام DSU از نظر ساختار حقوقی، کارآمد و بی‌نظیر است و ابزارهایی شبیه یک نهاد قضایی بین‌المللی دارد که قدرت اجرایی رأی آن، بیش از بسیاری از نهادهای مشابه است.

با این حال، کشورهای در حال توسعه به‌رغم عضویت فعال در WTO، در بهره‌گیری کامل از سازوکار حل اختلاف آن، با موانع جدی مواجه هستند. مشکلات ساختاری، ضعف نهادی، کمبود منابع انسانی و مالی، فشارهای سیاسی و ترس از واکنش‌های اقتصادی، عواملی هستند که میزان مشارکت و موفقیت این کشورها را در فرآیندهای حل اختلاف کاهش می‌دهند.

- گسترش آموزش‌های تخصصی در حوزه حقوق تجارت بین‌الملل برای دولت‌های در حال توسعه از طریق همکاری با نهادهای دانشگاهی و بین‌المللی.

نقش سازمان تجارت جهانی در حل و فصل اختلافات تجاری بی‌بدیل است، اما بدون اعمال اصلاحات اساسی، این نهاد نمی‌تواند تضمین‌کننده توازن واقعی منافع جهانی باشد. تقویت ظرفیت کشورهای در حال توسعه نه تنها به ایجاد نظامی عادلانه‌تر کمک خواهد کرد، بلکه به مشروعیت بیشتر این سازمان در سطح بین‌المللی منجر خواهد شد. کشورهای عضو باید با تعهد و همبستگی، مسیر اصلاحات را هموار کرده و اطمینان حاصل کنند که قواعد بین‌المللی تجارت، برای همه کشورها، صرف‌نظر از قدرت اقتصادی‌شان، قابل دسترسی و بهره‌برداری عادلانه باشد. نظام حل اختلاف WTO اگرچه در نوع خود منحصر به فرد است، اما تحقق عدالت واقعی در آن بدون توجه به نابرابری‌های ساختاری ممکن نخواهد بود. برای اینکه کشورهای در حال توسعه بتوانند از این ظرفیت به درستی بهره‌مند شوند، لازم است جامعه جهانی هم در سطح سازمانی و هم در سطح حقوقی، اصلاحات جدی را دنبال کرده و اصل عدالت را فراتر از صرف برابری ظاهری در نظام جهانی تجارتی برقرار نماید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The World Trade Organization (WTO) represents a pivotal institution within the architecture of global trade governance, established in 1995 to replace the General Agreement on Tariffs and Trade (GATT). At the heart of the WTO's mission is the Dispute Settlement Understanding (DSU), a unique and binding legal mechanism designed to resolve trade disputes among member states.

از سوی دیگر، وجود فرصت‌هایی مانند مشاوره‌های فنی، امکان ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای، قدرت الزام‌آوری رأی‌ها، و مسیرهای تلافی‌جویانه می‌تواند این کشورها را در مسیر بهره‌برداری بهتر از DSU قرار دهد، به شرط آن‌که ظرفیت‌سازی درونی در این کشورها بهبود یابد و اصلاحاتی در ساختار اجرایی WTO صورت گیرد.

بر اساس تحلیل‌های انجام‌شده، پیشنهاد‌های زیر برای اصلاح و تقویت نقش نظام حل اختلاف سازمان تجارت جهانی، به‌ویژه در راستای حمایت از کشورهای در حال توسعه، ارائه می‌شود:

- احیای نهاد تجدیدنظر با مشارکت برابر کشورها و شفافیت در فرایند انتخاب اعضا.

- تقویت ظرفیت‌های حقوقی کشورهای در حال توسعه از طریق ایجاد نهادهای مشورتی مستقل و تحت نظارت WTO با هدف ارائه خدمات حقوقی رایگان یا با هزینه پایین.

- اصلاح رویه‌های دادرسی برای تسهیل دسترسی کشورهای کم‌درآمد، شامل کاهش پیچیدگی‌های فرایندها و استفاده از زبان‌های رایج‌تر.

- ایجاد صندوق حمایت مالی از کشورهای در حال توسعه جهت پیگیری دعاوی خود در چارچوب DSU.

- ایجاد شاخص ارزیابی منصفانه بودن روندها تا با سنجش مستمر عملکرد نهادهای داور، شفافیت و عدالت تضمین شود.

This mechanism serves as a cornerstone for maintaining order and predictability in international trade relations, particularly as global interdependence increases. However, despite their numerical dominance in the WTO membership, developing countries have historically struggled to access and utilize this dispute resolution mechanism effectively. Their challenges are multifaceted, ranging from financial limitations and a lack of legal

and technical expertise to the political influence of economically powerful nations. While the DSU provides formal legal equality among members, the practical disparities in capabilities have led to unequal outcomes in dispute resolution. Developing nations often lack the necessary institutional infrastructure and qualified legal personnel to navigate the complex procedures of the DSU, rendering the principle of equality illusory in practice (Shahin, 2021; Van den Bossche & Zdouc, 2017). The theoretical and legal foundations of the DSU are deeply rooted in the principles of rule-based multilateralism and legal enforceability. The DSU mandates a structured, multi-tiered process for handling disputes, beginning with consultation, followed by the formation of a dispute panel, the possibility of appellate review, and ultimately, the implementation of rulings. These rulings are legally binding, setting the WTO apart from many other international organizations where decisions often remain recommendatory. The presence of the Appellate Body, with the authority to interpret legal provisions and ensure consistency in case law, is a critical feature that enhances the credibility and effectiveness of the system (Pauwelyn, 2006; WTO, 2023). Nevertheless, in practice, the high costs associated with bringing a case to the WTO, the procedural complexity, and the time-intensive nature of adjudication have often dissuaded developing countries from pursuing legitimate complaints. The Brazil–U.S. cotton subsidies case (DS267) is a rare but significant example of a successful claim by a developing country, highlighting the potential of the DSU when adequate legal support and political will are available (WTO, 2023).

A crucial theme explored in this article is the systemic imbalance that exists in dispute settlement participation. While developing countries comprise more than two-thirds of the WTO membership, their share in the total

number of complaints filed is disproportionately low, accounting for only about one-third of all cases from 1995 to 2023 (Jafari, 2020; Shahin, 2021). This underrepresentation reflects not only the high barriers to entry within the DSU process but also the fear of economic and political retaliation from powerful states. Even when developing countries succeed in litigation, they often lack the leverage or capacity to enforce rulings, especially in the absence of viable retaliatory options. The notion of retaliatory sanctions, while legally permissible under Article 22 of the DSU, is more theoretical than practical for weaker economies that risk self-inflicted economic harm through such actions. Moreover, the lack of domestic institutionalization of WTO law and the absence of inter-ministerial coordination further diminish the efficacy of dispute engagement among developing countries (Davey, 2005; Rahimi, 2022).

Despite these impediments, there are significant opportunities and support structures that can be leveraged by developing nations. For instance, organizations such as the Advisory Centre on WTO Law (ACWL) provide low-cost legal services and technical training to poorer members, which can help bridge the knowledge and capability gaps. Additionally, regional cooperation and coalition-building—such as among the African, Caribbean, and Pacific Group of States (ACP)—can enhance bargaining power and allow cost-sharing in litigation efforts. Legal doctrines such as *stare decisis*, institutional memory, and the jurisprudence of previous DSU rulings also provide strategic avenues for these nations to formulate stronger legal arguments. Nonetheless, the effectiveness of these tools is largely contingent upon political resolve and internal capacity-building. The binding nature of DSU rulings is a rare and valuable asset in international law, providing developing

countries with a theoretical equality not available in many other international forums (Jackson, 1998; Van den Bossche & Zdouc, 2017).

However, the recent crisis of the Appellate Body, particularly its functional paralysis since 2019 due to the United States' refusal to approve new appointments, has posed a new layer of challenge. This breakdown has undermined the credibility and completeness of the WTO's dispute resolution system, particularly affecting those members—mainly developing countries—who rely heavily on multilateral adjudication rather than bilateral political bargaining. The inability to finalize rulings through the appellate stage essentially nullifies the legal certainty that the WTO aimed to offer. This development exacerbates the vulnerability of weaker states, making it more difficult for them to pursue justice without fear of retaliation or diplomatic isolation. In light of these concerns, several reform proposals have been put forth, including restructuring the Appellate Body to ensure broader geographic and legal diversity among its members and streamlining procedural rules to make them more accessible to low-income countries (Shahin, 2021; WTO, 2023).

In conclusion, while the DSU framework of the WTO offers a robust and theoretically equitable structure for trade dispute resolution, it falls short of ensuring meaningful access and justice for developing countries. The disparity in financial, legal, and institutional capacities among WTO members translates into a practical inequity that dilutes the normative goal of trade justice. Thus, achieving genuine inclusivity in global trade governance necessitates not only internal reforms within the WTO—such as reactivating the Appellate Body and enhancing technical assistance—but also broader international cooperation and commitment to capacity-building in the Global South. The goal should

be to transition from mere formal equality to substantive equality, whereby all members, regardless of their economic strength, can utilize and benefit from the WTO's legal mechanisms on an equal footing. Without such comprehensive reforms, the WTO risks entrenching the very inequities it was designed to eliminate, thereby compromising its legitimacy and long-term relevance in an increasingly multipolar world.

References

- Davey, W. J. (2005). The WTO dispute settlement system: The first ten years. *Journal of International Economic Law*, 8(1), 17-50. <https://doi.org/10.1093/jielaw/jgi003>
- Jackson, J. H. (1998). *The World Trade Organization: Constitution and Jurisprudence*. Royal Institute of International Affairs.
- Jafari, A. (2020). Structural Challenges of Developing Countries in Utilizing the WTO Dispute Resolution System. *Quarterly Journal of International Economic Law*, 8(2), 75-95.
- Pauwelyn, J. (2006). Enforcement and countermeasures in the WTO: Rules are rules - Toward a more collective approach. *The American Journal of International Law*, 94(2), 335-347. <https://doi.org/10.2307/2555296>
- Rahimi, S. (2022). *Legal Analysis of the World Trade Organization*. SAMT Publications.
- Shahin, M. (2021). Dispute Settlement at the WTO: Challenges for Developing Countries. *Cambridge Journal of International Law*, 12(3), 185-202.
- Van den Bossche, P., & Zdouc, W. (2017). *The Law and Policy of the World Trade Organization (4th ed.)*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/9781316662496>
- WTO. (1994). *Understanding on Rules and Procedures Governing the Settlement of Disputes (DSU)*. World Trade Organization.
- WTO. (2023). *Annual Dispute Settlement Report*. World Trade Organization.